

ارزیابی سیاست ایران در قبال نهاد تنظیم‌گر فضای بین‌المللی تبادل اطلاعات (آیکن)

طاہرہ میرعمادی^۱

دانشیار سیاستگذاری علم و فناوری، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۵ - تاریخ تصویب: ۹۵/۸/۲۵)

چکیده

این مقاله قصد دارد سیاست‌های ایران را در قبال نهاد راهبر و تنظیم‌گر فضای بین‌المللی تبادل اطلاعات (آیکن) از نظر هدف و راهبرد ارزیابی کند. روش تحقیق، تحلیل اسناد سازمان‌های بین‌المللی و مصاحبه است و مدل مفهومی با توجه به مدل دیپلماسی فناوری طراحی شده است. این مقاله، پس از یک مرور تاریخی، به مرحله ارزیابی سیاست‌ها می‌رسد و مشخص می‌کند که هدف سیاست ایران، تضمین دسترسی به سامانه نام‌های دامنه و فایل منطقه ریشه اینترنت بوده است که تا اکتبر ۲۰۱۶ تحت نظارت دولت آمریکا قرار داشت. راهبردهای ایران برای نیل به این هدف اهتمام به تغییر ماهیت آیکن به یک نهاد تحت نظارت بین‌المللی بوده است. مقاله در پایان، با توجه به تحولات اخیر و مختومه شدن قرارداد انحصاری آمریکا و آیکن، پیشنهادهایی را در رابطه با سیاست‌های آتی دولت ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، آیکن، راهبری اینترنت، دیپلماسی ارتباطی، تنظیم‌گری منابع اینترنتی، حق

دسترسی

^۱- tamiremadi@yahoo.com

مقدمه

یکی از ابعاد فرآیند جهانی شدن، جهانی شدن تنظیم‌گری و ظهور و قدرت گرفتن نهادهای تنظیم‌گر بین‌المللی است. برخی از صاحب‌نظران این پدیده را (جهانی شدن تنظیم‌گری) نشانه غیر قابل انکار زوال قدرت دولت - ملت‌ها تعبیر کرده‌اند و برخی دیگر، با قبول محدود شدن بعضی از اختیارات دولت، تعبیر دسته اول را مبالغه آمیز تلقی کرده و دولت‌ها را هنوز قویترین بازیگران عرصه بین‌المللی می‌دانند (Howlett, 2010). پروفیسور میسی بستر فرآیند جهانی شدن تنظیم‌گری را از سه چشم انداز قابل مطالعه می‌داند: اول نگرشی که در آن جهانی شدن تنظیم‌گری محصول توفقات چند جانبه بین نهادهای تنظیم‌گر داخلی کشورهای طرف معاهده است. دوم نگرشی که جهانی شدن تنظیم‌گری ابزاری برای کنترل مقررات و قوانین داخلی بخش عظیمی از کشورها توسط یک هژمون بین‌المللی تلقی می‌گردد و سوم نگرشی که جهانی شدن فرآیند تنظیم‌گری را اهرمی می‌بیند که دولت‌ها با توسل به آن به تنظیم قوانین داخلی می‌پردازند، بدون اینکه از حمایت نیروهای داخلی برخوردار باشند (Macey, 2003).

طبیعتاً تنها در وجه دوم تنظیم‌گری بین‌المللی است که می‌توان از محدود شدن قدرت دولت در تنظیم امور حاکمیتی خود سخن گفت. در دو مورد دیگر، تنظیم‌گری بین‌المللی به افزایش قدرت دولت ملی و یا افزایش قدرت طبقه حاکمه آن در مقابل نیروهای داخلی منجر خواهد شد.

این مقاله قصد دارد سیاست ایران را در قبال یکی از مهمترین نهادهای رگولاتوری بین‌المللی در عرصه تبادل اطلاعات یعنی شرکت اینترنتی تخصیص نامها و شماره‌ها یا آیکن^۱ از دیدگاه وجه دوم ارزیابی کند. آیکن سازمانی غیرانتفاعی است که به منظور مدیریت منابع اینترنتی تشکیل شده است و مسئولیت تخصیص، هماهنگی و نگهداری پروتکل‌های شناسایی^۲، نام‌های دامنه‌های اینترنتی^۳ و سرورهای ریشه‌ای^۴ را بر عهده دارد. به تعبیر پروفیسور فرومکین "در قلب سامانه نامهای دامنه، یک فایل واحد به نام ریشه وجود دارد که هرکس این فایل را کنترل کند، کل اینترنت را کنترل خواهد کرد" (Froomkin M., 2000: 17). جهان هماکنون شاهد تغییر ماهوی در این نهاد (رگولاتور) اینترنتی به شکل گسستن از نظارت رسمی دولت آمریکا و تبدیل شدن به یک سازمان چند ملیتی و خود تنظیم‌گر است. این رویداد که در ذات خود امر بسیار حائز اهمیت برای مطالعه تجارب جهانی رگولاتوری عرصه ارتباطات و

1- Internet Corporation of Assigned Names and Numbers

2- TCP/IP protocol

3- Domain Name

4- Root Server

اطلاعات می‌باشد، بطور ویژه برای سیاستهای خارجی و ارتباطات ایران شایان توجه است و جا دارد که در باره آن مباحثات مفصلی انجام گیرد.

باید به یاد داشت که اینترنت در اصل برون داد یکی از پروژه‌های پژوهشی دپارتمان فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه استنفورد بوده که در دهه شصت توسط وزارت دفاع آمریکا و در دهه نود توسط بنیاد ملی علوم آمریکا تامین مالی شده بود (Mowery, 2009). در طراحی اولیه، ابعاد این پروژه در حد یک سامانه انتقال داده‌های آکادمیک دانشگاههای آمریکا تعریف شده بود. اما از دهه نود رفته رفته، به یک شاهراه اطلاعاتی تبدیل شد و در حال حاضر مطابق با آمار روزانه سایت اینترنت لایو استت^۱، فعالیت بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون کاربر در عرصه‌های تجاری، نظامی، امنیتی و غیره را در سر تا سر کره زمین میزبانی می‌کند. "اینترنت هم اکنون میدان تجارت جهانی، مخزن دانش بشری، رسانه همگانی و ابزار اصلی ارتباطات انسانی است (Purkayastha, 2014)."

معماری ویژه سامانه اینترنت دارای ساختار سلسله مراتبی است. اهمیت کارکرد راهبری^۲ و تنظیم برای تخصیص منابع فیزیکی و غیر فیزیکی اینترنتی شامل شبکه‌های زیر ساخت، نامهای دامنه‌های بلند مرتبه کشوری و یا عام، آدرسهای پروتکل‌های اینترنتی کارگزاران ریشه و فایل‌های منطقه ریشه و روتینگها، از همان آغاز، غیر قابل چشم پوشی بوده است. آیکن، سازمانی که راهبری مرکزی تخصیص و تنظیم منابع اینترنتی را در اختیار دارد، به عنوان یک سازمان غیر انتفاعی در سال ۱۹۹۸ تاسیس شد و تا پایان سپتامبر ۲۰۱۶ یعنی تنها چند ماه پیش، تحت نظارت مدیریت فناوری اطلاعات و فناوری ارتباطات آمریکا^۳ قرار داشت و پس از آن به یک نهاد بین‌المللی با راهبری چند ذینفعی^۴ تغییر ماهیت یافت. پرسشی که در شرایط فعلی باید برای پاسخ به آن به بحث پرداخت، آن است که راهبرد ایران در مقابل مسئله تغییر ماهیت نهاد تنظیم گر فضای تبادل اطلاعات چه بوده است؟ مطمئناً قبل از پاسخگویی به این سوال باید مشخص گردد که سیاست ایران در قبال این تنظیم گر بین‌المللی تا کنون چه بوده است. این سیاست در کدام یک از جبهه‌بندی‌های قدرت قرار می‌گیرد و بالاخره چه تغییراتی در آن پس از تحولات اخیر آیکن لازم خواهد بود؟

1- Internet Live Stat

۲- خاطر نشان می‌شود که در ادبیات تخصصی فضای تبادل اطلاعات هر دو اصطلاح "راهبری اینترنت" و "حکمرانی اینترنت" رواج دارد.

3- NTIA

4- Multistakeholdersism

مروری بر ادبیات

اجماع بر سر تناسب مفهوم راهبری، تنظیم‌گری و هماهنگی و نسبت هر یک از این واژه‌ها با یکدیگر در فضای تبادل اطلاعات بیش از آن که حاصل مباحث آکادمیک باشد، ناشی از تفهیم و تفهم و عملگرایی بازیگران در اجلاس‌های بین‌المللی بود (Hofmann J., 2016). واژه "راهبری اینترنت" اولین بار در سال ۱۹۹۶ در کتاب "مشکلات راهبری اینترنت" چاپ دانشگاه هاروارد بکار برده شد (Hofmann J., 2016). و به بعدا توسط دیگران استفاده شد (Drake, 2005); (Muller, 2002); (Kleinwächter, 2000); (Froomkin, 2003). فرومکین معتقد است که دولت آمریکا با فراهم آوردن زمینه برای تاسیس آیکن در قالب یک نهاد غیر انتفاعی و عقد قرار داد با آن، عملا بر ساختار پایه‌ای اینترنت تسلط یافت و از آنجا که آیکن یک تنظیم‌گر است، از نقش آیکن به نفع خود بهره می‌برد... و این با روحیه دموکراسی در اینترنت منافات دارد.

در مقابله فرومکین، هافمن می‌گوید مقصود از "راهبری در اینترنت، تنها هماهنگی تاملی^۱ (Hofmann J., 2016) یا هماهنگی بین هماهنگ‌کنندگان است زیرا اقتدار مرکزی وجود ندارد و تنظیم‌گری بدون قصدیت^۲ و بطور توزیع شده^۳ انجام می‌شود. شاید اختلاف بین این دو استاد حقوق و سیاستگذاری عمومی فضای سایر، نماینده اختلافی باشد که ادبیات متمرکز بر راهبری اینترنت و نقش رگولاتور یا هماهنگ‌کننده آن را به دو شاخه بزرگ تقسیم کرده است: اول آن دسته که از راهبری اینترنت، تنها بعد فنی آنرا در نظر داشتند و آیکن را با هویت یک سازمان غیر دولتی حتی علیرغم نظارتی که آمریکا بر آن داشت، مناسب نقش هماهنگی می‌دانستند و دسته دیگر از ادبیات که به اسناد اجلاس‌های بین‌المللی متعدد تعلق دارد. این دسته راهبری فنی را تنها بعدی از وظایف راهبری می‌دانند و قائل به اهمیت بیشتر رگولاتوری در ابعاد دیگر سیاسی - حقوقی، اقتصادی و فرهنگی هستند. صاحب نظران دسته دوم معتقدند که مسائلی مانند قلمرو صلاحیت دولت‌ها و مسئله جرایم اینترنتی، تجارت الکترونیکی، بی طرفی شبکه، آزادی گردش اطلاعات و نسبی‌گرایی فرهنگی و ممنوعیت انتشار نفرت‌نژادی و غیره در فضای تبادل اطلاعات اقتضا می‌کند که راهبری رگولاتوری^۴ به یک نهاد بین‌الدولی و یا چند ذینفعی تعلق بگیرد. از این نظر "راهبری اینترنت عبارت است از توسعه و کاربرد اصول، قوانین و مقررات و فرآیندهای تصمیم‌گیری توسط دولت‌ها، نهادهای مدنی و بخش خصوصی که در شکل‌گیری روند توسعه و تکامل اینترنت نقش داشته باشد" (WGIG, 2005).

1 - Reflective coordination

2 - Intentionality

3 - Distributed

4- Regulatory Governance

چارچوب مفهومی و روش پژوهش

با آن که ادبیات سیاستگذاری عمومی، از نظر ارائه الگوهای ارزیابی پسینی غنی است، اما در عرصه سیاستهای بین المللی یا دیپلماسی و بطور خاص دیپلماسی فناوری، تاکنون مطالعات محدودی انجام شده است. در بین این منابع اندک، مقاله مشترک فلینک و شرایتر (Schreiterer, 2010) به دلیل داشتن گونه شناسی اهداف سیاست کشورها جایگاه ویژه ای دارد. نویسندگان مقاله مذکور برای دیپلماسی فناوری کشورها، اهدافی را متصور شده اند که بطور کلی به سه دسته جداگانه تقسیم می شوند. از نظر آنان اولین هدف دیپلماسی علم و فناوری، دسترسی^۱ است و این دسترسی شامل دسترسی به فناوریهای نوین و توانمندیهای تحقیقاتی و فناوریهای کلیدی و دسترسی به نیروی انسانی ماهر و سرمایه گذاریهای مالی است. هدف بعدی دیپلماسی علم و فناوری از نظر فلینک و همکارش "نفوذ" است و مقصود از آن نفوذ در افکار عمومی و فرآیندهای تصمیم گیریهای اقتصادی و سیاسی برای افزایش قدرت کشور در صحنه های بین المللی می باشد. هدف سوم دیپلماسی علم و فناوری برندینگ، کسب بازار و انتشار دستاوردهای تحقیق و توسعه در بازارهای بین المللی است.

نویسندگان مقاله مذکور در کاربرد این سه مدل، شش کشور پیشرفته جهان را از نظر اهداف دیپلماسی بررسی کرده اند و نتیجه گیری کرده اند که بطور مثال هدف دیپلماسی فناوری کشور فرانسه "دسترسی" و هدف سوئیس "برندینگ" می باشد (Schreiterer, 2010).

مقاله حاضر از گونه شناسی مدل فلینک و شرایتر استفاده کرده، اما با تغییر سطح تحلیل از سطح ملی به بخشی، کوشش نموده است که اهداف سه گانه فوق الذکر را در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بطور تخصصی تبیین کند. نتیجه این کوشش، ساخت یک مدل مفهومی سه وجهی است که در راس هر یک از اضلاع آن، یکی از اهداف دیپلماسی - سیاست بین المللی در مواجهه با نهاد تنظیم گری قرار دارد: در حوزه دسترسی، می توان به دسترسی به منابع اینترنتی (شامل دامنه های اینترنتی بلند مرتبه کشوری، کارگزاری ریشه) اشاره کرد. در حوزه نفوذ، افزایش قدرت نرم و نفوذ در شبکه های اجتماعی (توانایی شبکه های اجتماعی و گروه های فشار) مورد نظر است و در حوزه کسب بازار، انتشار دستاوردهای تحقیقاتی و وجهه سازی (برندینگ و بازار کالاهای فناورانه نرم افزار و سخت افزار) در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات می تواند مورد عنایت قرار گیرد.



شکل ۱- مدل تحلیل دیپلماسی ارتباطی؛ منبع: نگارنده با استفاده از تقسیم‌بندی فلینک و شرایتر (۲۰۱۰).

نتیجه اینکه برای پاسخگویی به سوال اصلی مقاله، با توجه به مدل مفهومی باید نخست پاسخ داد که مجموعه مواضع دیپلماتیک ارتباطاتی کشورها در برابر نهاد بین‌المللی تنظیم‌گر آیکن بر اساس این مدل، بر چه اهدافی (دسترسی، نفوذ و کسب بازار) تقسیم بندی می‌شوند. دوم اینکه هدف اصلی در سیاستهای ایران در فضای بین‌المللی تبادل اطلاعات چه بوده است و سوال سوم آن است که اکنون با توجه به تغییرات اخیر آیکن آیا این راهبرد برای ایران قابل ادامه است یا باید تغییراتی در آن داده شود؟

مقاله حاضر پنج نقطه عطف تاریخی در روند جهانی شدن راهبری اینترنت (نشست سران در سال ۲۰۰۳، ۲۰۰۵، تشکیل فرم راهبری اینترنت ۲۰۰۵، کنفرانس اتحادیه بین‌المللی ارتباطات ۲۰۱۲، کنفرانس نت موندیال ۲۰۱۵) که بطور کلی به عنوان ۵ رویداد مهم این فرآیند نامیده می‌شود، را مورد توجه قرار می‌دهد و با تحلیل محتوای سه بلوک بین‌المللی آمریکا، اروپا و کشورهای غیر متعهد، کوشش می‌کند پاسخگوی پرسش‌های مطرح شده باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها مطالعه اسناد و مدارک اجلاس‌های بین‌المللی (بیانیه اصول ژنو ۲۰۰۳) و دستور کار تونس (۲۰۰۵)، اجلاس‌های فروم راهبری اینترنت از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، مصوبه دبلیو، آی، سی، یو ۲۰۱۲ و کنفرانس نت موندیال ۲۰۱۴ و بیانیه‌های هیات‌های نمایندگی آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران در همه رویدادهای فوق‌الذکر به اضافه مستنداتی در رابطه با مواضع چین و برزیل) و روش تحلیل آنها روش تماتیک (کد گذاری و تشخیص ارتباط بین کدها و الگوسازی از آنها) (Saldana, 1988) می‌باشد. علاوه بر آن در جریان شرکت در اجلاس کمیته آماده سازی فروم راهبری اینترنت در نوبت ۲۰۰۳ در تهران و ۲۰۰۹ در ژنو فرصتی بوجود آمد که با کارشناسان هیات نمایندگی ایران و بعضی از هیات‌های خارجی مصاحبه شود. نتایج این مصاحبه‌ها یافته‌های اولیه پژوهش را تایید نمود.

مطالعه بستر تاریخی تحول تنظیم‌گری، راهبری و هماهنگی

جان پاستل استاد دانشگاه استنفورد و مدیر پروژه اینترنت که بعد شرکت زایشی آیکن^۱ را در قالب شرکت خصوصی غیر انتفاعی تاسیس کرد، غالباً اختیار اداره یک کد کشوری دامنه مرتبه اول^۲ را با یک قرار دوستانه یا یک تماس تلفنی به افراد یا موسساتی که در جامعه اینترنتی به عنوان طرفهای قابل اعتماد مطرح بودند، می‌داد (Muller, 2002). به عبارت دیگر، هیچ آداب و ترتیبی مبتنی بر قرارداد در کار نبود. مقررات فنی مورد نیاز نیز از پائین به بالا و غالباً از ستاد مهندسی اینترنت^۳ سر چشمه می‌گرفت و به سطوح بالاتر برای نهایی شدن انتقال می‌یافت. همچنین جان پاستل در زمان طراحی سامانه نامهای دامنه و تفویض مدیریت دوپست^۴ و سه کد کشوری دامنه‌های مرتبه اول^۵ را به اشخاص و نهادهای غیر دولتی در مناطق مختلف جهان، با هیچ مقام دولتی در کشورهای ذی‌ربط مشورت نکرد. وی تنها از یک لیست سازمان استاندارد بین‌المللی (ایزو)^۶ برای شناخت کشورها و مناطق، صرفنظر از موقعیت سیاسی و حقوقی شان، استفاده کرد. در آن دوره و با توجه به جمع نه چندان بزرگ بانیان اینترنت، روابط بین بازیگران مختلف عمدتاً مدیران بودند جنبه شخصی داشت و بر اعتماد متقابل استوار بود (Muller, 2002).

یکی از علل این بی‌تفاوتی حاکمیتی، سیاستهای دولت ریگان در دهه هشتاد بود که به کل مخالف تصدی‌گری دولت بود و خود را پرچمدار اصل آزادی گردش اطلاعات می‌دانست^۷. وضعیت اینترنت با این سیاست دولت آمریکا در زمان ریگان همخوانی داشت و بانیان اینترنت در سایه آن بدون دخالت دولت به کارشان ادامه دادند. از نظر آنان تنها ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آزادی افراد برای تبادل اطلاعات بدون توجه به مرزها بعنوان تنها بنیاد حقوقی برای اینترنت مشروعیت داشت. از سوی دیگر با آن که تقریباً همه کشورها به ارتباطات راه دور به عنوان بخشی از حوزه حاکمیت ملی خود می‌نگریستند، اقدام پاستل مبنی بر تفویض اختیارات مربوط به مدیریت کد کشوری دامنه‌های مرتبه اول به نهادهای غیر دولتی به عنوان یک اقدام فنی و نه سیاسی تلقی گردید (Kleinwachter, 2003).

معهدا در دهه نود با گسترش اینترنت به سراسر جهان و وابستگی بخش مهم و رو به افزایشی از تجارت بین‌المللی به آن، مواضع بازیگران تفاوت کرد و منشاء بروز بحثهای دامنه

1- Internet Corporation assigned names and numbers

2- country code Top-Level Domain (ccTLD)

3- the Internet Engineering Task Force (IETF)

4 - ccTLD

5 - the International Standardization Organization (ISO 3166)

۶ - از جمله با تلاشهای یونسکو برای آنچه که نظم جهانی جدید در حوزه ارتباطات و اطلاعات خوانده می‌شد، به شدت مخالفت کرد و بر آن بود که اطلاعات باید آزادانه در جهان سیر کند

داری در مورد راهبری اینترنت و محور تنظیم‌گری در آن شد. با توجه به خصلت جهانی اینترنت و فرامرزی بودن آن، این بحثها به سرعت ابعادی بین‌المللی به خود گرفت و متناسب با افزایش اهمیت اینترنت و شناخت دولتها از نقش مهم آن بر حساسیتها افزوده شد. از این مرحله به بعد تلاش برای نهادینه کردن سامانه نامهای دامنه به عنوان یکی از مهمترین منابع اینترنت در مرکز توجه طرفهای ذی نفع، قرار گرفت.

آغاز دخالت دولت آمریکا در تنظیم‌گری سامانه نامهای دامنه

قبل از اینکه آیکن بوجود بیاید در سال ۱۹۹۱ موسسه علوم اطلاعاتی وابسته به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی^۱ که پاستل در آن کار می‌کرد، قراردادی با وزارت بازرگانی آمریکا برای تاسیس «اداره تخصیص شماره‌های اینترنتی»^۲ یا *IANA* منعقد کرد که سازمانی با کم و بیش یک عضو، یعنی جان پاستل، بود. تامین مالی این سازمان توسط بنیاد علوم آمریکا^۳ ادامه یافت. از سوی دیگر وزارت بازرگانی آمریکا قرار دادی با شرکت راه حل‌های شبکه‌ای یا نتورک سولوشن^۴ برای اداره مراکز ثبت کدهای عمومی دامنه مرتبه اول^۵ مربوط به پسوند‌های دات کام، دات ادو، دات نت^۶ منعقد کرد. بعد از آنکه بنیاد علوم آمریکا تامین مالی طرح را در سال نود و سه متوقف کرد، وزارت بازرگانی به شرکت نتورک سولوشن اجازه داد تا مبلغی برای ثبت نامهای دامنه دریافت کند. این شرکت همچنین اداره کارگزار ریشه (ای)^۷ واقع در ایالت ویرجینیا را نیز عهده دار شد^۸ (در این دوره پاستل کارگزار ریشه (بی) را در کالیفرنیا اداره می‌کرد) (میرعمادی، ۱۳۸۷).

سرانجام این روند، به تاسیس آیکن انجامید. این شرکت یادداشت تفاهمی با وزارت بازرگانی آمریکا امضا کرد. بر اساس این یادداشت تفاهم، وظیفه آیکن اعتلای «منافع عمومی جهانی در ارتباط با ثبات عملیات اینترنت از طریق انجام کارکردها و نظارت بر آنها با هدف تدوین سیاستها جهت تعیین شرایطی است که در چارچوب آن شرایط، دامنه‌های مرتبه اول جدید به "نظام ریشه سامانه نامهای دامنه" اضافه می‌شود (میرعمادی، ۱۳۸۷).

1- the Information Science Institute (ISI) of the University of Southern California USC

2 - the "Internet Assigned Numbers Authority" (IANA)

3 - the US National Science Foundation (NSF)

4 - Network Solutions Inc.

5 - generic Top-Level Domain (gTLDs) Registries

6 - com, .org, .net and .edu

۷ - توضیح اینکه ۱۳ کارگزار ریشه *root servers* (۱۰ کارگزار در آمریکا و ۳ کارگزار در خارج از آمریکا) از منابع اصلی اینترنتی هستند.

۸ - شرکت *VeriSign Inc* در سال ۲۰۰۰ *NSI* را خرید و همه مسئولیت‌های آن را نیز عهده دار شد.

روابط دولت آمریکا و آیکن بر مبنای قرار داد مبتنی بر مسئولیت مشترک بود، ضمن آنکه مسئولیت نهایی در دست وزارت بازرگانی آمریکا قرار داشت. یانابه عنوان بخشی از آیکن مسئول اداره کردن فایل‌های ناحیه ریشه بود، اما قبل از اینکه هر گونه تغییر و حذف یا اضافه‌ای در فایل‌های ناحیه ریشه در کارگزار ریشه "ای" وارد شود، تصمیم مربوطه باید از تصویب «اداره ملی ارتباطات راه دور و اطلاعات»^۱ وابسته به وزارت بازرگانی آمریکا می‌گذشت. به این ترتیب که اداره مذکور باید مجوز لازم را برای انتشار فایل‌های تهیه شده توسط یانا صادر و برای نتورک سولوشن می‌فرستاد. هدف از صدور مجوز در این مرحله در واقع انجام یک کنترل نهایی برای اطمینان از این بود که رویه‌های مقرر شده حتما توسط یانا رعایت شده باشد. تعهد اولیه دولت آمریکا این بود که ظرف دو سال اعتبار یادداشت تفاهم امضا شده با آیکن به سر آید و آیکن کاملا مستقل شود (میرعمادی، ۱۳۸۷). اما چنین نشد تا سرانجام در اکتبر ۲۰۱۶ این کار به انجام رسید.

اعتراض جهانی و مقدمات بین‌المللی شدن راهبری آیکن

یادداشت تفاهم بین وزارت بازرگانی آمریکا و آیکن با آنکه موقتی و فقط دو ساله بود اما نقش نظارتی انحصاری برای دولت آمریکا قائل شده بود. دولتهای دیگر به این نوع رابطه اعتراض داشتند. بخصوص اینکه طرح اولیه برای اعطای استقلال کامل به آیکن، هر ساله به تعویق می‌افتاد. روشن بود که دولت آمریکا در این مورد تعجیلی نداشت و علل مختلف مانند حوادث یازده سپتامبر و حملات تروریستی سایبری و دیگر مسائل امنیتی را برای تعویق فرآیند بین‌المللی شدن آیکن مطرح می‌کرد. از سوی دیگر ظهور پدیده‌های کاملا جهانی مانند "شکاف دیجیتالی" بین ملتها، فاصله بین کشورهای دارا و ندار را روز به روز بیشتر می‌کرد. این مسئله از سوی آیکن که صرف مدعی فنی بودن امر تنظیم‌گری اینترنت بود، قابل رسیدگی نبود. کشورهای اروپایی از یک سو و از سوی دیگر دولتهای کشورهای درحال توسعه مانند چین، برزیل و ایران اینطور استدلال می‌کردند که راهبری اینترنت یک راهبری به معنای کامل است و نمی‌توان مسائل فنی و سیاستی را از هم جدا کرد. بنابراین درست نیست که آیکن به عنوان نهاد تنظیم‌گر به طور انحصاری مقید به رعایت ضوابط تنها یک کشور باشد.

پیرو چنین نگرانی‌هایی ابتکارات بین‌المللی مانند "نشست سران جامعه اطلاعاتی" در ژنو ۲۰۰۱ و تونس ۲۰۰۳ اتفاق افتاد و فرصتی شد که برای اولین بار دولتها، شرکتهای خصوصی و نهادهای مدنی در کنار یکدیگر قرار گیرند. در جریان این نشست‌ها مشخص شد که مسائل تنظیم‌گری در اینترنت، برخلاف انتظار تنها منحصر به مسائل فنی نیست، بلکه ابعاد بسیار

گسترده‌تری دارد و تبعات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیاری از جوامع انسانی را در بر می‌گیرد. بنابراین راهبری و نظارت آن نیز باید توسط یک فرآیند تصمیم‌گیری با مشارکت همه ذینفعان انجام بگیرد. این امر باعث شد که فروم راهبری اینترنت با تشکیلات چند ذینفعی در سال ۲۰۰۶ ایجاد گردد و هر سال یک اجلاس داشته باشد. رویدادهای مهم دیگر، اجلاس‌ای تی یو در سال ۲۰۱۲ و کنفرانس نت موندیال در سال ۲۰۱۴ می‌باشد. در جدول ۱ به اهم یافته‌ای این پنج رویداد مهم پرداخته شده است.

جدول ۱- پنج رویداد مهم بین‌المللی در حوزه راهبری اینترنت

شرح رویداد	سال	ردیف
تشکیل نشست سران در ژنو با حضور هزاران نفر نمایندگان دولتها، بخش خصوصی و شرکتهای. اولین دستاورد این مرحله، صدور بیانیه اصول اولیه راهبری اینترنت ^۱ تحت عنوان "اصول ژنو" بود که برای اولین بار بطور رسمی و در سطح بین‌المللی اعلام شد راهبری اینترنت باید شفاف، دموکراتیک، چند ملیتی و با شرکت بخش خصوصی، جامعه مدنی و سازمانهای بین‌المللی باشد.	۲۰۰۳	۱
تشکیل نشست سران در تونس، بازم با شرکت هزار نفر از فعالین جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولتها. در این اجلاس بطور مشخص به نقش دولت - ملتها در راهبری اینترنت پرداخته شد. این نشست به تدوین "دستورکار تونس" ^۲ انجامید. در این بیانیه نقش دولتها اعم از دولت آمریکا و هر دولت دیگری در راهبری اینترنت زیر سوال رفته است و خوستار کاهش اعمال نفوذ آنها در راهبری اینترنت شده است. در همین رابطه، مبانی فروم بین‌المللی راهبری اینترنت بنیان گذاشته شد.	۲۰۰۵	۲
فروم بین‌المللی اینترنت به عنوان یک فروم بین‌المللی تاسیس شد. این فروم یکی از اولین مدل‌های دیپلماسی ذینفعان را به نمایش گذاشت و نقش جامعه مدنی و بخش خصوصی را پررنگ‌تر کرد. این فروم پس از آن هر ساله اجلاس سالیانه داشته است.	۲۰۰۵	۳
کنفرانس جهانی ارتباطات بین‌المللی (دبلیو، سی، آی، تی) که بر خلاف فروم راهبری اینترنتی و نشست سران، توسط اتحادیه بین‌المللی مخابرات (آی تی یو) تشکیل شد. این رویداد تنها از نمایندگان دولتها دعوت به شرکت کرده بود و از آنجا که آی تی یو یک سازمان بین دولتی و از جمله سازمانهای تخصصی سازمان ملل	۲۰۱۲	۴

1- Declaration of Principles

2 - Tunis Agenda

3 - <http://www.itu.int/net/wsis/docs2/tunis/off/6rev1.html>

متحد است، توافقات این کنفرانس به عنوان حقوق بین الملل از طرف کشورهای عضو الزام آور می گردید.		
تشکیل کنفرانس نت موندیال، اجلاس ذینفعان در رابطه با آینده راهبری اینترنت در برزیل با شرکت ۸۵۰ نماینده از دولتها، شرکتهای و دانشگاهیان.	۲۰۱۴	۵

تحلیل محتوای اسناد رویدادها: بررسی مواضع بلوکهای قدرت

در گفتمان راهبری اینترنت، خیلی زود شکل گیری سه بلوک قدرت روشن گردید: بلوک کشورهای درحال توسعه، اتحادیه اروپا و آمریکا. بنابراین اختلاف بین نظرات در مورد راهبری اینترنت بطور ساده به شکل تنش دو قطب موافق و مخالف نبوده است، بلکه هر محور دارای سه موضع محتمل است و در هر موضع، تنش بین دو جبهه متعارض دیده می شود. بطور مثال در محور ارزشهای فرهنگی، اروپا با نظر کشورهای درحال توسعه در مورد نسبت ارزشهای مثبت فرهنگی یا آزادیهای مثبت^۱ موافق و با آمریکا در مورد جهان گرایی^۲ آزادیهای منفی یا سلبی^۳ همداستان است. این است که در هر تعارض در یک جبهه یک بلوک و در جبهه دیگر دو بلوک قرار دارد. در زیر جداول زیر تنش میان مواضع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سه بلوک دیده می شود:

(۱) محور فرهنگی تنش بین نسبت فرهنگی و جهان گرایی فرهنگی و رعایت حقوق بشر

جدول ۲- محور فرهنگی تنش بین سه بلوک قدرت در فضای سایبر

نظر اروپا و نهادهای مدنی	نظرات کشورهای درحال توسعه	نظر آمریکا
نسبت فرهنگی در مورد آزادیهای ایجابی	نسبت فرهنگی در مورد ارزشهای ایجابی	جهان گرایی آزادیهای مثبت فرهنگی
جهان گرایی در مورد آزادیهای سلبی	نسبت فرهنگی در مورد آزادیهای منفی	جهان گرایی آزادیهای منفی فرهنگی

(۲) محور اقتصادی تنش تعارضی بین بازار آزاد و تغییر آن به انتقال اجباری فناوری از شرکتهای درحال توسعه از یک طرف و مسئله بی طرفی^۴ شبکه نیز محور تعارض بین اروپا و آمریکا است. اصل بی طرفی شبکه به آن اصل عنایت دارد که دولتها، شرکتهای

1- Positive Liberty

2 - Universalism

3- Negative Liberty

4- Net Neutrality

واسطه و عرضه کنندگان خدمات اینترنتی با کلیه داده‌ها باید به یکسان برخورد کنند و هیچگونه تبعیضی بین مصرف کنندگان نگذارند.

جدول ۳- محور اقتصادی تنش بین سه بلوک قدرت در فضای سایبر

نظر آمریکا	نظرات کشورهای در حال توسعه	نظر اروپا و نهادهای مدنی
بازار آزاد و استقلال شرکتها ی چند ملیتی	تعهد شرکت‌های چند ملیتی به انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه	موافق انتقال فناوری از شرکتها به دولتهای در حال توسعه
مخالف بی طرفی شبکه ^۱	موافق بی طرفی شبکه	پرچمدار بی طرفی شبکه ها

۳) محور سیاسی تنش تعارضی بین ماندن در تولید آمریکا و جدایی از آن در شکل سازمان بین دولتی و یا چند ذینفعی

جدول ۴- محور سیاسی تنش سیاسی بلوک قدرت در فضای سایبر

نظر آمریکا	نظرات کشورهای در حال توسعه	نظر کشورهای اروپایی - نهادهای مدنی
آیکن یک نهاد هماهنگ کننده ساده است که اداره امور فنی در حوزه شماره‌های پروتکل‌های اینترنتی و نام‌های دامنه را بر عهده دارد. بر مبنای این نظر، آیکن تنها اینترنت را هماهنگ می‌کند و نه اداره.	کار آیکن شامل اموری فراتر از هماهنگی فنی اینترنت می‌شود. در حالی که ICANN باید اجازه باید تا چنین وظایف فنی مانند راهبری کارگزاران ریشه ^۲ و توزیع شماره‌های پروتکل‌های اینترنتی ^۳ را حفظ کند، سیاست باید توسط یک نهاد بین‌المللی مشروع که دولت‌ها را نمایندگی کند، شکل گیرد. این امر می‌تواند یا در چارچوب سازمان ملل صورت گیرد یا یک چارچوب بین‌المللی جدید برای این منظور ایجاد گردد.	آیکن به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر باید حلقه‌های ارتباط خود را از دولت آمریکا جدا کند و به عنوان یک نهاد بین‌المللی چند ذینفعی توسط شرکتها، نهادهای مدنی و دولت‌ها اداره شود.

۱ - این اصل در دوره اوپاما در آمریکا به شکل قانون درآمد. اما به علت اینکه اکثریت کنگره آمریکا مخالف آن هستند در دوره ترامپ تهدید می‌شود.

2- Root Server

3 - Internet Protocle

با توجه به مدل مفهومی ارائه شده در مقاله اکنون اگر این موضوع در چارچوب مدل مفهومی به سه راس مثلث شکل ۱ مندرج در چارچوب نظری برگردانده شود، مشخص می‌گردد که مواضع دولتهای درحال توسعه با هدف "تضمین دسترسی" تنظیم شده و سیاست غالب در اروپا بیشتر با هدف نفوذ طراحی شده است. همچنین به روشنی دیده می‌شود که دغدغه اصلی آمریکا گسترش بازار و انتشار فناوری‌های خود از طریق دسترسی به بازارها است.

استخراج سیاستهای ایران در (قبال) آیکن

بلوکهای سه گانه درحال توسعه، اروپایی و آمریکایی، تقسیم بندی روشنی برای شناخت رفتار ایران در نشست‌های جامعه اطلاعاتی و دیگر رویدادها بدست می‌دهد. انتظار ناظران در تفسیر مواضع ایران بر اساس مخالفت با مواضع آمریکا و دردرجه بعدی مخالفت با اروپا شکل گرفته بود، بطوریکه زمانی که ایران از پیشنهاد اروپا مبنی بر تشکیل یک نهاد راهبری بین‌المللی برای تنظیم سامانه نامها و شماره‌های دامنه دفاع کرد، عده‌ای از اعضای هیات‌های اروپایی نسبت به صداقت این دفاع، بدگمانی خود را ابراز کردند (Wary, 2005). درحالیکه این مورد و موارد مشابه ثابت می‌کند که رفتار ایران درباره مواضع اروپا کلیشه‌ای نبوده و ایران با توجه به منافع خود در این باره تصمیم می‌گیرد. اما اختلاف با مواضع آمریکا بدون استثنا همیشگی بوده و در مواجهه با مواضع این کشور که شامل مخالفت با بی طرفی شبکه، طرفداری از جهانگرایی فرهنگی، دفاع از قرارداد دولت آمریکا با آیکن بوده است همواره در جبهه روبرو قرار داشته است. از طرف دیگر مواضع ایران در بیشتر مواقع با دولتهای چین، روسیه، برزیل و آرژانتین هماهنگ بوده است.

در محور اقتصادی، مواضع ایران در محور اقتصادی مبتنی بر حمایت مداوم از انضمام اهداف توسعه هزاره و سند اهداف پس از آن در بیانیه‌های نشست ژنو ۲۰۰۳ و تونس ۲۰۰۵ و کنفرانس جهانی ارتباطات بین‌المللی ۲۰۱۲ بوده است. در این فرآیند، ایران همواره بر حق توسعه به عنوان نسل سوم حقوق جهانی بشر تاکید می‌کند. محور این رکن، انگیزه شدید ایران به استفاده از امکانات فناوریهای اطلاعات و ارتباطات برای رشد اقتصادی و انتشار مواهب آن در اقصا نقاط کشور است (ITU, 2015). ایران از طرفداران اصل انتقال فناوری از کشورهای صنعتی به کشورهای درحال توسعه بوده و از این نظر در تصویب بندهای دایر بر چنین اصلی مشارکت داشته است.

در محور فرهنگی، ایران پرچمدار اصل نسبیّت فرهنگی است، اما میزان تاکید بر آن در هیات‌های مختلف متفاوت بوده است. در دوره خاتمی با وجود تاکید بر نسبت ارزشهای

فرهنگی بر اصل گفتگوی تمدنها اصرار داشت. فعالترین این وضعیت را ایران زمانی داشت که در کمیته‌های آماده سازی این نشست فعالانه شرکت کرد و در این کمیته‌ها همواره می‌خواست که بر حاکمیت ملی و فرهنگ‌های محلی تاکید شود. همچنین معتقد بوده که بخش از راهبری که مربوط به مسائل فرهنگی جامعه اطلاعاتی است، سازمان بین‌المللی یونسکو مستقیماً در آن دخیل باشد (MSRT, 2004). در آن زمان شعار دولت خاتمی "گفتگوی تمدنها" بود (Khatami, 2003).

در محور سیاسی باید گفت که ایران همواره منتقد اصلی ساختار فعلی توزیع قدرت در نظام بین‌المللی بطور کلی و راهبری اینترنت بطور اخص بوده است. با توجه به مجموع اعلام مواضع ایران در ۵ رویداد اصلی در فرآیند جهانی که از کابینه آقای خاتمی تا آقای روحانی را دربر می‌گیرد، مشخص می‌گردد که سیاستهای ایران در فضای بین‌المللی تبادل اطلاعات در کلیه رویدادهای فوق‌الذکر بر اساس اصل تضمین "دسترسی" طراحی و اجرا شده است و صرف نظر از تغییر کابینه‌های دولت از آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی، این مواضع کم و بیش یکسان بوده است. این امر که یک اینترنت یک سامانه جهانی بوده است، با این حقیقت که اصلی ترین سازمان راهبری و سیاستگذاری آن باید به مقامات دولتی آمریکا پاسخگو باشد، بسیار تعارض آمیز بوده است و این اصل که آیکن خود یک سازمان غیر دولتی است، برای ایران چندان تفاوتی در این وضعیت ایجاد نمی‌کرد.

پس از اجلاس نشست سران جامعه اطلاعاتی در ژنو در سال ۲۰۰۳، ایران متوجه شد که در این نگرانی تنها نیست و کشورهای دیگر مانند بخصوص چین، برزیل، آرژانتین و دولت‌های عربی مانند لیبی و همچنین سوریه کوشش می‌کنند در بازی قدرت در اینترنت کفه ترازو را از میل کردن به طرف دولت آمریکا، به طرف ایجاد یک نهاد جدید التاسیس بین‌المللی با نقش‌های مساوی بین دولتها، متعادل کنند.

هیات ایران کوشید که با همداستانی با دیگر کشورهای با راهبرد مشابه، در ماده ۱ بیانیه اصولی نشست سران، اصل "گفتگوی تمدنها" را اضافه کند. البته در این کار موفق نشد اما در پاراگراف ۹ و ۵۲، موضوع "گفتگوی تمدنها" خاطر نشان شده بود. همچنین هیات موفق شد پیشنهاد خود را به این صورت که "جامعه اطلاعاتی باید بر اساس ساخت یک فضای احترام آمیز برای اصول و ارزشهای بنیادی همه فرهنگها بنا شود"، در پاراگراف ۱۰ بیانیه اصول بقبولاند. از این جهت این دولت همواره کوشش کرده است که روند گذار نهادهای راهبری از قیومت^۱ دولت آمریکا به نهادهای بین‌المللی را تسریع کند.

در اجلاس تونس ۲۰۰۵، هیات ایرانی دیگر اصراری بر گفتگوی تمدنها و نسبیت فرهنگی نداشت و بیشترین همت خود را برای ایجاد یک سازمان بین دولتی جهت تولید راهبری اینترنت و تنظیم‌گری حاکمیتی برای آن به خرج دادند (Bhuiyan, 2014). این دوره مصادف با ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد بود. همین هیات در سال ۲۰۱۲ نیز در اجلاس اتحادیه مخابرات شرکت کرد و به اتفاق چین و روسیه در تدوین بندهای قطعنامه مشارکت داشت؛ بطور مثال بند ۳ قطعنامه را ایران پیشنهاد کرد و با آنکه اجماع در باره آن نبود، ایران توانست صرفاً براساس رای گیری ۷۷ به ۷۳ آن را به قطعنامه اضافه کند. در مفاد بند ۳ تصریح شده است که "همه کشورها باید اختیارات مساوی در راهبری اینترنت و آینده آن داشته باشند و دولت‌ها بازیگران اصلی در این فرآیند هستند" (Small Media.org, 2015). به علاوه از اتحادیه بین‌المللی مخابرات خواسته شده بود که همچنان در موضوع راهبری اینترنت فعال باقی بماند. هرچند که مفاد بند سوم مطالبه تازه‌ای محسوب نمی‌شد، اما این موفقیت بزرگی برای ایران بود و تاریخ نیز نشان داد که تسهیل گر تحولات بعدی راهبری اینترنت در سطح جهانی شد (Small Media.org, 2015).

ایران همچنین موفق شد فرم راهبری اینترنت فارسی زبانان را با شرکت نمایندگان تاجیکستان و افغانستان تشکیل بدهد. در دولت روحانی کنفرانس نت موندیال فرصتی بود که ابتکارات دیپلماتیک خود را نشان بدهد. موضع هیات دکتر روحانی در مورد راهبری آیکن، در جهت عکس سیاستهای آقای احمدی نژاد، به دنبال تقویت نگرش تکنرگرایی و راهبری ذینفعان بود و در سخنرانی هیات ایرانی توسط کاووس آراسته بارها از تکثرگرایی، راهبری اینترنت توسط ذینفعان متعدد و دیگر واژگان مرتبط استفاده شد (Arasteh, 2014). اما در بسیاری مواقع دیگر، همان مواضع را تکرار می‌کرد. از جمله اینکه نقش دولتها را در این رابطه بسیار قوی می‌دید. در مورد مشخص می‌خواست آیکن دیگر کنترل دامنه‌های بلند مرتبه را نداشته باشد و این امر بدست دولتهای ملی باشد همچنین نقش دولتها در کمیته مشورتی آیکن را افزایش بدهد تا صدای دولتها در آیکن بیشتر باشد. در جدول ذیل مواضع ایران در رویدادهای پنجگانه در زمان تصدی دولتهای آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی مشاهده می‌شود:

جدول ۵- مواضع ایران در رویدادهای پنجگانه

کابینه	رویداد	کدگذاری محتوای مواضع	الگوی استخراج شده از ارتباط کدها "هدف سیاستگذاری"
خاتمی	نشست سران ۲۰۰۳	تاکید بر حق حاکمیت ملی بر منابع اینترنتی دعوت از ورود از سازمانهای بین الدولی مانند یونسکو تاکید بر حق توسعه و انتقال فناوری بالا به کشورهای جنوب گفتگوی تمدنها	حق دسترسی بر منابع از طریق نظارت دولتها بر آیکن
احمدی نژاد	۲۰۰۵ اجلاس تونس	تاکید بر حق حاکمیت ملی بر منابع اینترنتی	حق دسترسی بر منابع از طریق نظارت دولتها بر آیکن
احمدی نژاد	۲۰۱۲ کنفرانس اتحادیه جهانی مخابرات	۱- تاکید بر حق حاکمیت ملی بر منابع اینترنتی ۲- مخالفت با تسهیم نقش با سازمانهای مردم نهاد و غیر دولتی ۳- دعوت از سازمانها بیین الدولی (آی تی یو) به پذیرش نقش بیشتر علیرغم تاکید همه ساله دیگر بازیگران به اهمیت نقش بازیگران غیر دولتی.	حق دسترسی بر منابع از طریق نظارت دولتها بر آیکن

<p>حق دسترسی از طریق نظارت ذینفعان متکثر (دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی) بر آیکن با تاکید بر مواضع دولت سالاری</p>	<p>۱- اعتدال نسبی بین مواضع ضد نهادهای مدنی و مواضع طرفداری از آنان در راهبری اینترنت ۲- تکرار مواضع دولت سالارانه در رابطه با کنترل دامنه‌های بلند مرتبه توسط دولتهای ملی ۳- پافشاری بر قدرت GAC یا کمیته مشاوره دولتی آیکن</p>	<p>۲۰۱۴، رویداد نت موندیال</p>	<p>روحانی</p>
--	--	--------------------------------	---------------

ارزیابی خردمایه و راهبردهای سیاستهای تضمین دسترسی

تا زمانی که آیکن به عنوان رگولاتور اصلی تحت نظارت مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات آمریکا (یانایا) کار می‌کرد، مسئله اصلی برای طراحان سیاست بین‌المللی فناوری اطلاعات ایران این بود که ایالات متحده آمریکا قدرت قطع دسترسی ایران به اینترنت (حداقل در تئوری) را داشته است. بنابراین سیاستگذاری ایران در عرصه بین‌المللی فناوری ارتباطات عمدتاً مبتنی بر یارگیری در فضای بین‌المللی، جهت تسریع فرآیند جدا سازی رکن تنظیم‌گر فضای اینترنت یعنی آیکن از قیومت حاکمیت آمریکا (تنظیم‌گری حاکمیتی) و تبدیل آن به یک نهاد بیطرف بین‌المللی (خود تنظیمی) بود.

در رابطه با چرایی چنین هدف گذاری باید اشاره کرد که به لحاظ تاریخی ورود اینترنت به ایران به سال ۱۳۶۸ بر می‌گردد.^۱ در آغاز یعنی در طول سالهای اولیه راه اندازی اینترنت در ایران، مراکز اکادمیکی که به شبکه بنیاد ملی علوم امریکا وصل بودند، حتی آدرس پروتکل اینترنتی ایران را برای دسترسی تلنت یا اف تی پی نمی شناختند (Miremadi, 2010).

البته از آنجا که تعداد کاربران ایرانی اندک بود این موضوع جلب توجه هم نمی کرد تا با مطرح شدن اقدام خود سرانه یکی از مدیران بنیاد ملی علوم در قطع ارتباط اینترنتی تازه مسئله دسترسی ایران به اینترنت مطرح شد و بعد از آن به صورت یک دلمشغولی همیشگی ایران در آمد. این مدیر به نام استوین گلد اشتاین این طور استدلال می‌کرد که چون اینترنت با مالیات شهروندان آمریکایی بوجود آمده و به سبب تصویب قانون تحریم ایران، دسترسی ایران به

۱- اولین ایمیل از ایران از سوی دکتر محمد جواد لاریجانی به مدیران دانشگاه وین که رابط بین ایران و اروپا و از طریق آن به ایالات متحده بود صادر شد.

اینترنت نیز باید قطع گردد (میرعمادی، ۱۳۸۷). البته این قطع دسترسی که در سال ۱۹۹۶ رخداد، به صورت غیر نظامند و به بر اساس تصمیم انفرادی بود. اما پس از آن ایالات متحده با تصویب قوانین تحریمی خود بطور مستقیم و نظام مند کوشش نمود که مانع دسترسی ایران به سامانه اینترنت گردد و در مقابل ایران نیز که بطور منطقی همواره نگران قطع سیستماتیک دسترسی خود به اینترنت بود، دیپلماسی خود را بر پایه کاهش نفوذ دولت آمریکا در سامانه جهانی اینترنت طراحی و اجرا می‌کرد.

اولین مورد اهتمام برای نقض نظام مند حقوق شهروندی ایران در فضای تبادل اطلاعات توسط آمریکا در سال ۱۹۹۹ رخ داد. در این مورد یک استاد آمریکا به نام پروفیسور برنشتاین که تولید کننده یک نرم افزار کدگذاری شده بود به دادگاه کشانده شد. علت آن ارائه نرم افزار اختراعی خود به عنوان محتوای درسی به دانشجویان خود از جمله دانشجویان ایرانی بود. وزارت دفاع آمریکا معتقد بود که این نرم افزار مانند یک اسلحه می‌تواند کاربرد جنگی داشته باشد و بنابراین صادرات آن به اتباع کشورهای چون ایران نیز باید تابع قوانین امنیتی آمریکا باشد. اگرچه برنشتاین با صرف چهار سال رای بر برائت خود گرفت و در عوض وزارت آمریکا را به علت نقض حقوق خود به دادگاه کشانید اما این مورد به عنوان منع دسترسی ایران به نرم افزارهای اینترنتی آن هم به صورت قانونی و نه تصادفی مطرح گردید (میرعمادی، ۱۳۸۷) پس از آن موارد دیگری مطرح گردید که از جمله مهمترین آنها در مقاله میرعمادی (Miremadi, 2010) مستند شده است: (بطور مثال عدم دسترسی سایت‌های ایرانی به علت بستن شدن آنها توسط هاستهای تابع قوانین آمریکا بدون هیچگونه اخطار و هشدار. عدم توانایی استفاده از نرم افزارهای اوپن سورس به علت آنکه‌ای پی ادرس آنها نشان می‌داد که از ایران تماس گرفته‌اند و غیره).

دولت آمریکا با محکوم شدن خود در دادگاه برنشتاین بر اساس اصل آزادی بیان، هزینه محرومیت ایران را از امکانات اینترنت بر اساس قوانین موجود خود بسیار سنگین برآورد کرد و این جهت برنامه تاسیس یک ابتکار بین‌المللی را برای محرومیت ایران و چند کشور دیگر از امکاناتی چون کدگذاری اینترنتی به پیش برد. ترتیبات بین المللی واسنار دقیقاً با این هدف شکل گرفت که صادرات فناوریها با کاربرد دوگانه را به کشورهای خاص توام با مقررات و محدودیتهای بین‌المللی سازد.

ایجاد تضییق در کاربرد اینترنت برای ایرانیان از طریق وضع قوانین الزام‌آور برای شرکتهای خصوصی از جمله شرکتهای غول‌آسای نرم افزاری و سخت افزاری چون اینتل و وری ساین تحت حاکمیت خود و چه از طریق قراردادهای وزارت بازرگانی با شرکتهای خصوصی و غیر انتفاعی آیکن به عنوان مسئول و تنها تصمیم گیرنده منابع اینترنتی و چه از طریق بدست

گرفتن ابتکار در ایجاد ترتیبات بین المللی چون واسنار تاکنون دامنه وسیعی داشته است که خسارات ناشی از فسخ یکجانبه قراردادهای میزبانی سایتها تنها یکی از آنها است. ساز و کارهای قطع دسترسی شهروندان ایرانی در فضای تبادل اطلاعات بدین صورت احصا می شود:^۱ ۱- محدودیت دسترسی از طریق حذف دامنه ۲- محدودیت دسترسی از طریق فشار بر کارگزاران خدمات اینترنتی ۳- محدودیت دسترسی از طریق تحریم نرم افزار کالای عمومی و یا قابل خریداری ۴- عدم ارائه خدمات پشتیبانی از طرف این شرکتها به کاربران ۵- تضعیف زیرساختهای مخابراتی ۶- افزایش هزینه دسترسی ۷- خلل در بانکداری اینترنتی در سطح بین المللی ۸- تهدید حق حاکمیت بر دامنه کشوری ۹.

تحلیل سیاست ایران در مقوله تنظیم گری اینترنت تا به حال نشان می دهد که

۱- دیپلماسی ایران در مقوله تنظیم گری اینترنت، همراه با دیگر کشورهای در حال توسعه مبتنی بر تضمین حق دسترسی ملی خود بوده است.

۲- طراحی این سیاست با توجه به رابطه ویژه نهاد تنظیم گر و دولت آمریکا کاملا منطقی بوده است.

۳- راهبردهای طراحی شده و اجرا شده برای رسیدن به هدف، دفاع از آینده آیکن با ماهیت بین الدولی، نسبی گرایی در آزادیهای مثبت و منفی در محور فرهنگی و دفاع از بی طرفی شبکه در محور اقتصادی بوده است.

توصیه های سیاستی

همانطور که در بخش های قبلی نیز مشخص شد، موضع گیری در محورهای سه گانه در راهبری اینترنت (یعنی دسترسی، نفوذ، بازار) سه بلوک قدرت آمریکا، اروپا و کشورهای جهان سوم را رویاروی یکدیگر قرار داده است. اروپا و قدرتهای جهان سوم متحدا از حق انحصاری دولت آمریکا انتقاد می کردند درحالیکه اروپا در مورد حقوق شهروندی و نهادهای مدنی با آمریکا همدستان شده و کشورهای چین و ایران انتقاد می کند. از سوی دیگر مسئله بازار و قدرتهای شرکتهای چند ملیتی محور دیگری برای اختلاف بین اروپا و آمریکا گردیده است.

اکنون که آیکن و دولت آمریکا رابطه شانزده ساله خود را گسستند و به این ترتیب خطر قطع دسترسی به منابع اینترنتی با توجه به سیاستهای دولت آمریکا در قبال ایران مرتفع شده

۱- برای توضیح و تشریح نحوه تاثیر تحریم ها در این سازوکار ها لطفا به سند زیر توجه شود (میرعمادی، ۱۳۹۲)

۲- به علت تحریم اقتصادی ایران

۳- به علت ممنوعیت همکاری شرکتهای عمده در این فعالیت با ایران

۴- به علت عدم واگذاری کلیدهای تصدیق امضا توسط شرکت وری ساین بطور مستقیم

۵- به علت داشتن نظارت انحصاری بر فعالتهای آیکن

است، راهبری آیکن با ماهیت جدید خود که اصطلاحاً به چند ذینفع گرایی مشهور است، ممکن است به محملی برای تعارض نهادهای مدنی چند ملیتی با حمایت اروپا و آمریکا علیه سیاستهای ارتباطی ایران با محوریت نهادهای دولتی بدل شود. بنابراین ادامه تاکید بر انحصار دولت در عرصه فناوری ارتباطی نه تنها توجیه منطقی نخواهد داشت بلکه چالشهای جدیدی را برای ایران به همراه خواهد آورد. بنابراین راهبردهای جدید ایران شایسته است به جای هدف گذاری قبلی (حق دسترسی) اهداف دیگر یعنی نفوذ و قدرت نرم را در نظر داشته باشد.

۱- بیانیه دولت ایران در کنفرانس نت موندیال برزیل ۲۰۱۴ در امتیاز راهبری چند ذینفعی و توجه به نفوذ نهادهای مدنی گام بسیار موجهی برای همگامی با سیاست دولتهای دیگر در مخالفت با رابطه انحصاری دولت آمریکا با آیکن بوده است. اما باید خارج از صدور بیانیه در کنفرانسها در عرصه عملی نیز دولت ایران به اهمیت نهادهای مدنی در عرصه اینترنت توجه کافی بنماید.

۲- نکته مهم آن است که ادامه سیاستهای اعلانی ایران در چارچوب این بیانیه، قاعدتاً باید سیاستهای عملی در افزایش سهم نهادهای مدنی و هیاتهای فنی و تخصصی در راهبری داخلی اینترنت طراحی و اجرا گردد.

۳- تکرار دعوت به انجام ابتکاراتی مانند فروم اینترنتی فارسی زبانان که با مشارکت نهادهای مدنی، تخصصی، دانشگاهها و مساعادت و حمایت دولت شروع شده بود، بسیار سودمند خواهد بود.

۴- ترکیب هیات ایرانی بهتر است نشان دهنده سیاست جدید حمایت از ذینفع گرایی در راهبری بین‌المللی و داخلی باشد و از همه دست اندرکاران خصوصی، مدنی و متخصصین برای کمک و حمایت فکری و معنوی در تشکیل هیات ایرانی استفاده گردد.

۵- ضروری است که نهادهای دولتی از اجرای پژوهش در این زمینه توسط اندیشکده‌های مستقل حمایت کنند. دانشگاهها و موسسات پژوهشی باید در این رابطه به اجرای پژوهش و ارزیابی و آینده پژوهی منافع ملی ایران بپردازند.

منابع

الف) فارسی

- ۱- میرعمادی، ط. (۱۳۹۲). تعریف جامع امنیت در ایران. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران - معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- ۲- میرعمادی، ط. (۱۳۸۷). مبانی حقوق شهروندی و ملی در فضای تبادل اطلاعات. تهران: موسسه توسعه علوم انسانی.

(ب) انگلیسی

- 3- Arasteh, K. (2014). *Contribution from the Islamic Republic of Iran to The Global Multiskaeholder Meeting for the Future of the Internet*, 23-24 April 2014 Sao Paolo, Brazil. <http://content.netmundial.br/contribution/contribution-from-the-islamic-republic-of-iran-to-the-global-multiskaeholder-meeting-for-the-future-of-the-internet-23-24-april-2014-sao-paolo-brazil/236>: NetMundial.
- 4- Bhuiyan, A. (2014). *Internet Governance and the Global South: Demand for a New Framework*. Springer.
- 5- Drake, J. (2005). *Reforming Internet Governnace*. Geneva: United Nations ICT task Force, WGIG.
- 6- Froomkin, M. (2003). *Internet's International Regulation: Emergence and Enforcement*. e. Louis Perret & Alain-François Bisson, in *Évolution des systèmes juridique, bijuridism et commerce international*. Montreal.
- 7- Froomkin, M. (2000). *Wrong Turn in Cyberspace: Using ICANN to Route Around the APA and the Constitution*. *Duke Law Journal* Vol. 50, No. 1, Oct..
- 8- Howlett, M. (2010). *DEsigning Public policy, Principles and Instruments*. London : Rutgers.
- 9- ITU. (2015). *WSIS+10*. Geneva :ITU, <https://www.itu.int/net/wsis/review/inc/docs/phase5/S1.3.1-A.docx>.
- 10- Jeanette Hofmann, C. K. (2016). *Between Coordination and Regulation: Conceptualizing Governance in Internet Governance*. *New Media & Society* 1461444816639975, first published on March 31, 2016 doi:10.1177/1461444816639975.
- 11- Khatami. (2003). *Khatami of Iran speaking to the World Summit on the Information Society (WSIS)*. (Geneva: WSIS, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:President_khatami_in_wsis.jpg).
- 12- Kleinwächter, W. (2000). *De-Mystification of the Internet Root: Do We Need Governmental Oversight ?* Geneva: WGIG, WSIS, ICT TASKforce available http://www.wgig.org/docs/book/WGIG_book.pdf#search=Wolfgang%20Kleinw%C3%A4chter%2C%20DeMystification p. 213.
- 13- Kleinwächter, W. (2003). *From SElf Governance to Public Private Partnership*. Loyola Marymount University and Loyola Law School Digital Commons at Loyola Marymount University and Loyola Law School.
- 14- Macey, J. R. (2003). *Regulatory Globalization as a Response to Regulatory Competition*. Yale Law School Repository/http://digitalcommons.law.yale.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2420&context=fss_papers: Yale Law School.
- 15- Miremadi, T. (2010). *International Telecommunication Companies Versus Iranian Internet Users*. *International Journal of Humanities*, Vol. 17 (1.108-97), (
- 16- Mowery, D. C. (2009). *National Security and National Innovatin System*. *Journal of Technology Transfer*.
- 17- MSRT, I. (2004). *Development of a National IT Strategy*. Tehran: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan021343.pdf>.
- 18- Muller, M. (2010). *Networks and States: The Global Politics of Internet Governance*. Cambridge: MIT Press.
- 19- Muller, M. (2002). *Ruling the Root: Internet Governance and the Taming of Cyberspace*. Cambridge: MIT Press.
- 20- Purkayastha, P. a. (2014). *US Control of the INternet: PRoblems Facing the Movement to International Governance*. *MOnthly Review*, 66:3, 103.
- 21- Saldana, J. (1998). *The Coding Manual fot Quaitative Research*. New York: SAGE publication.
- 22- Schreiterer, T. F. (2010). *Science diplomacy at the intersection of S&T, policies and foreign affairs: toward a typology of national approaches*. *Science and Public Policy*.
- 23- Small Media.org. (2015). *Chaos and Control*. London: https://smallmedia.org.uk/media/projects/files/Small_Media_-_Chaos_Control.pdf.
- 24- Wary, R. (2005). *EU says internet could fall apart*. London available at: <http://bit.ly/1Bb2dwU> last seen 11/16/2016: Guardian.
- 25- WGIG. (2005). *Report of the Working Group on Internet Governnace*. Geneva: United Nations, Working Group on Internet Governance.
- 26- http://www.internetsocty.org/igf?gclid=CJOA8_HEoNACFUINfgod2GsJXg
- 27- <https://www.itu.int/en/wcit-12/Pages/speeches.aspx>
- 28- <http://netmundial.br/>
- 29- ITU (2012), 'WCIT-12 Final Acts Signatories' (last accessed: 12/1/2015) available at: https://www.itu.int/itu_mt_main/catalog/home.jsf?wec-appid=EBOOKSHOP_B2B&wec-locale=en_US&area=S-CONF-WCIT-2012&filter=ZITU_LANGUAGE%3dEnglish%26ZITU_MEDIATYPE%3dElectronic, visited on 11/15/2016
- 30- WWW.wassenaar.org.